در کمین نیمکت!

تیم‌های لیگ برتری غایبان سرشناسی دارد

هجدهمین دوره رقابت های فوتبال لیگ برتر در حالی از چهارم مرداد آغاز می‌شود که چند مربی سرشناس در دوره جدید این رقابت ها در هیچ تیمی سرمربیگری نمی‌کنند و منتظر لغزش دیگران هستند!

به گزارش مهر، فرصت زیادی تا آغاز هجدهمین دوره مسابقات لیگ برتر فوتبال باقی نمانده است و به جز تیم سپیدرود که وضعیت نامشخص مالکیتی آن روی انتخاب کادر فنی هم تاثیر گذاشته، سایر تیم ها کما بیش سرمربی خود را انتخاب کرده اند. سپیدرود با مالکیت نوین، خداداد عزیزی را در سمت سرمربی انتخاب کرده و سرمربیگری سپیدرود با مالکیت تن زاده برعهده علی نظرمحمدی است. استقلال خوزستان هم بعد از رکوردی که در انتخاب سرمربی خود در عرض دو ماه زد، سرانجام داریوش یزدی را در جایگاه نفر اول کادر فنی معرفی کرد. بعد از اتمام فصل گذشته و برکناری عبدالله ویسی از هدایت استقلال خوزستان، در فاصله تعطیلات لیگ صمد مرفاوی و سید سیروس نعمتی نژاد به سمت سرمربی انتخاب شدند ولی انتخاب آنها حتی به شروع لیگ هم نرسید و یزدی هدایت تیم را بر عهده گرفت.

آبی های خوزستانی که هنوز لیگ شروع نشده این حجم از تغییرات را در کادر فنی خود داشته اند، مشخص نیست با شروع لیگ و کسب نتایج ضعیف احتمالی چند سرمربی را تا پایان فصل تغییر خواهند داد.

به این ترتیب و با شرایطی که برتیم های لیگ برتری حاکم است می توان گفت چند مربی که در سال های گذشته در لیگ برتر فعالیت می کردند، امسال از چرخه مربیان لیگ دور مانده اند.

حسین فرکی یکی از مربیان سرشناسی است که همانند فصل گذشته در هیچ تیمی فعالیت نمی کند و لیگ را از بیرون دنبال خواهد کرد. سپاهان آخرین باشگاهی بود که فرکی در آن کار کرد و توانست این تیم را بعد از فولاد خوزستان به قهرمانی در لیگ برتر برساند ولی به خاطر اتفاقات حاشیه ای، عطای کار در این تیم را به لقایش بخشید و خانه نشین شد.

پرویز مظلومی، علی کریمی، علیرضا منصوریان، حمید درخشان، فراز کمالوند، رضا مهاجری، هومن افاضلی، علیرضا مرزبان، اکبر میثاقیان و صمد مرفاوی از دیگر مربیانی هستند که سابقه کار در لیگ را دارند ولی با شرایط فعلی، فرصتی برای هدایت تیمی را پیدا نکرده اند.

علی کریمی که فصل گذشته تیم سپیدرود را در لیگ برتر نگه داشت، امسال هم قصد داشت به فعالیتش در این تیم ادامه بدهد که تن زاده، مالک باشگاه جلوی ادامه کار او را گرفت. البته همانطور که در بالا عنوان شد، سپیدرود در تنگنای مشکلات مالکیتی و اختلاف مسئولان استانی افتاده و فعالیت موازی دو مالک و دو سرمربی همچنان تداوم دارد.

علیرضا منصوریان دو فصل پیش سرمربی استقلال شد و توانست با این تیم عنوان نایب قهرمانی لیگ برتر را از آن خود کند. منصوریان فصل گذشته هم تا هفته های ابتدایی سرمربی آبی پوشان بود ولی از این تیم کنار گذاشته شد.

هرچند در این مدت خبرهای غیررسمی درباره مذاکره دیگر باشگاه ها با منصوریان مطرح می شد، ولی این مربی رقابت های این فصل از لیگ برتر را بدون تیم دنبال می کند.

فراز کمالوند که سابقه سرمربیگری در تیم های تراکتورسازی، گسترش و صنعت نفت را دارد این فصل به تیم دسته اولی اکسین رفته است. رضا مهاجری هم فصل گذشته سرمربی پدیده بود ولی این فصل به سمت مدیر سازمان فوتبال تراکتورسازی انتخاب شده است.

استاندارد دوگانه برای ملی‌پوش سه‌گانه

ملی‌پوش سه‌گانه کار اصفهانی می‌گوید مسئولان مربوطه سنگ اندازی می‌کنند اما حمایت نه!

مهری مصور

۱۱۰ کیلومتر تمرین رکابزنی، آن هم هفته‌ای چند بار، به تنهایی گویای اراده پولادین دختر شجاع قصه ماست که می‌خواهد متفاوت باشد و حاضر نیست دوومیدانی یا دوچرخه سواری را انتخاب کند و با تمام مشقت‌ها سه گانه را دوست دارد و می‌خواهد در این رشته کاری کند کارستان. صحبت از شکوه طیاره خواجویی است. سه گانه کار ملی پوش اصفهانی که اولین مدال بین المللی سه گانه بانوان را در رقابت‌های آسیای میانه کسب کرده و برای شرکت در بازی های آسیایی ۲۰۱۸ انگیزه های زیادی داشت اما شرایط طور دیگری رقم خورد. طیاره خواجویی که در مسابقات آسیای میانه برای ورزش بانوان کشورمان رکورد جدیدی خلق کرد، به دلایلی که نمی‌داند، فرصت شرکت در این رقابت‌ها و محک زدن توانمندی هایی که به دنبال یک سال تمرین مداوم به دست آورده را از دست داده و ناراحتی و عصبانیت بابت این اتفاق را می توان به خوبی در تک تک جملات و کلماتش حس کرد. وی معتقد است مشکلات پیش روی سه گانه بانوان آن قدر زیاد است که ساعت‌ها هم گفت وگو کنیم، باز هم حرف برای زدن دارد و البته تاکید می کند که دوستانش از وی خواسته اند مصاحبه نکند: «دوستانم می گویند مصاحبه نکن. می گویند حرف زدی، حذف می شوی و باید این رشته را ببوسی و کنار بگذاری. صبر آدم هم اندازه ای دارد، من در این یک سال سکوت کردم. حالا هم اگر مصاحبه می کنم، نه توهینی کردم و نه حرف غیر مستندی زدم. برای همه حرف هایم سند دارم. پیگیر حقم هستم و می‌دانم اگر به بازی های آسیایی هم اعزام شوم، نمی توانم رکورد خاصی ثبت کنم اما تلاش می‌کنم و باید نتیجه تلاشم را ببینم. این رشته را دوست دارم و با علاقه کار می‌کنم اما اگر قرار نیست نتیجه ای نداشته باشد، بگویند تا تکلیفم را بدانم.»

گفت وگو با شکوه طیاره خواجویی، روایتی از تلاش ورزشکاری است که برای رسیدن به هدف، هر چه در توان داشت انجام داد اما گاهی نمی‌شود که نمی‌شود.*

***قیصر امین پور**

قاعدتا این روزها باید در مسابقات سه‌گانه آسیای میانه حضور داشته باشی؟

بله، در طول یک سال گذشته برای حضور در این مسابقات و نتیجه گیری، تلاش زیادی کردم و تمرینات خوبی هم داشتم اما در بهترین شرایط آمادگی، فدراسیون اعلام کرده برای مسابقات آسیای میانه، ورزشکار خانم اعزام نمی کند.

دلیلش را نگفته بودند؟

دلیل مشخصی نه اما می گفتند که رئیس فدراسیون با اعزام بانوان سه گانه کار موافقت نکرده است. ما هم باورمان شده بود که در بخش بانوان اعزام ندارند اما وقتی مسابقه شروع شد، نام شیرین گرامی را در بین شرکت کنندگان دیدیم. من بابت این موضوع گلایه مند بودم و اعتراضم را نیز به مسئولان فدراسیون اعلام کردم.

فدراسیون سه‌گانه، تنها سهمیه بازی‌های آسیایی را به شیرین گرامی اختصاص داده بود، ولی گویا تغییری در برنامه صورت گرفته است؟

کمیته ملی المپیک یک سهمیه برای ورزش سه‌گانه در نظر گرفته بود و فدراسیون سه گانه تنها اسم گرامی را رده کرده بود و از نام سایر ورزشکاران فعال این رشته به راحتی عبور کرد. گرامی در انگلیس و در بهترین شرایط تمرین می کند اما ما که در ایران و با این حجم از مشکلات تمرین می‌کنیم را نادیده گرفتند. توقع داشتیم از ما رکورد می گرفتند و بعد تصمیم گیری می کردند. بحث من بر روی گرامی نیست، بلکه بحث رقابت است و اینکه باید شرایط یکسانی را برای ما در نظر می گرفتند.

آن زمان به من گفتند که برای مسابقات غرب آسیا تو و شیرین گرامی را به قرقیزستان اعزام می کنیم تا رکوردها مشخص شود اما بدون اینکه هیچ دلیلی را اعلام کنند، در این رقابت ها شرکت نکردیم. هنوز نتوانسته‌ام این موضوع را هضم کنم که چرا چنین تصمیمی گرفتند، مگر در یک سال ما چند مسابقه داریم که همین یکی را هم لغو کردند. من یک سال است به طور رسمی سه‌گانه کار می‌کنم و با تمرین درست شنا، رکوردهایم را بهبود بخشیده ام و اگر به قرقیزستان اعزام می‌شدم، رکوردهایی هم سطح گرامی به ثبت می رساندم، آن هم در شرایط تمرینی من که قابل مقایسه با او نیست.

یکی دیگر از سه‌گانه‌کاران به فدراسیون مراجعه کرده و حتی اعلام آمادگی داشته که با هزینه شخصی در این رقابت ها شرکت کند اما فدراسیون قبول نکرده است. زمانی که می خواستم سه‌گانه را شروع کنم، فدراسیون به من گفت که این رشته آینده بهتری نسبت به دو گانه دارد ولی برای مسابقات آسیایی دو گانه هم مرا اعزام نکردند. حتی با اینکه نفر دوم ایران هستم، به تیم ملی هم دعوت نشدم.

وقتی اعزام در سه گانه برای کسب تجربه است و انتظار مدال آوری وجود ندارد، چرا فدراسیون اعتماد نمی کند؟

یکی از مسئولان فدراسیون به من می‌گوید رکورد سه‌گانه نداری که بخواهیم بر مبنای آن تصمیم گیری کنیم. وقتی مسابقه ای برگزار نمی شود و مرا اعزام نمی کنند، کجا باید رکورد بزنم. این حرف من نیست و حرف خیلی از ورزشکاران سه گانه است. رشته ما استقامتی است و زحمت زیادی باید متحمل شویم اما با ما این طور برخورد کردند. یک سال زحمت مرا هدر دادند. دوستم به فدراسیون مراجعه کرده و به او گفته اند در بازی های آسیایی حضور برای ما مهم نیست و رقابت اهمیت دارد. این حرف غیر منطقی است، وقتی در طول سال یک مسابقه سه گانه هم نداشته ام، چه طور انتظار دارند با ورزشکارانی رقابت کنیم که در طول سال در بیش از ۲۰ مسابقه شرکت می کنند. اگر بنا به این استدلال است، پس تیم پسران را هم اعزام نکنند زیرا آنها هم شانسی برای کسب مدال ندارند. ما در طول یک سال گذشته حتی اردوی تیم ملی درست و حسابی هم نداشته ایم.

یعنی تیم ملی سه گانه بانوان داریم اما اردوی تیم ملی نه؟

قرار بود اردوی تیم ملی برگزار کنند که اول ۱۳ روز بود، بعد شد هفت روز و در نهایت هم سه روز. آن هم چه اردویی. کسی بالای سر ما نبود و برنامه ای برای تمرینات وجود نداشت. آن هم در حالی که تمام هزینه‌های ما بر عهده خودمان است، بر خلاف ورزشکاران سایر شهرستان ها که هیئت های استانی از آنها حمایت کرده و هزینه هایشان را پرداخت می کنند.

در شرایطی که شاید شانسی برای اعزام به بازی های آسیایی داشته باشی، هیئت سه گانه اصفهان از ورزشکارش حمایت نمی کند؟

متاسفانه نه. من گلایه و حرف های زیادی برای گفتن دارم اما سکوت کردم تا حرف زدن من خللی در روند پیشرفتم ایجاد نکند اما حالا دیگر چیزی برای از دست دادن وجود ندارد. هیئت اصفهان نه تنها از من حمایت نمی‌کند، بلکه به دلایلی که نمی دانم چرا، سنگ اندازی هم می کند. برای رکوردگیری رشته شنا، هیئت اصفهان به من خبر نداده بود و از طریق فدراسیون مطلع شدم.

به هرحال سه گانه را با علم به این سختی ها انتخاب کردی؟

درست است اما قبول کنید سه ساعت صبح تمرین و دو ساعت عصر کار ساده ای نیست. در این شرایط انگیزه رسیدن به هدف است که مرا سرپا نگه داشته است. من از فوتبال، فوق العاده متنفرم؛ چون هزینه زیادی در این رشته می‌کنند و آخرش هم چیزی از آن در نمی‌آید. زندگی من مثل زندگی یک کارمند شده، هر روز می‌روم تمرین، هفته ای ۱۲ جلسه تمرین شوخی نیست. مدتی قبل هم به نایب رئیس فدراسیون سه گانه گفتم اجازه ندهید تمام انگیزه ما در تمرین خلاصه شود و از بین برود، مرا برای تمرین نساخته اند، می خواهم مسابقه بدهم.

از بحث مسابقات اخیر فاصله بگیریم، برای خیلی ها جذاب است بدانند چه طور جذب دوگانه شدید؟

خیلی اتفاقی. به صورت تفریحی، شنا و دوچرخه سواری انجام می دادم اما یک آگهی دیدم که برای برگزاری مسابقه دو و دوچرخه سواری فراخوان داده بود اما اسمی از دوگانه در میان نبود. من هم با خودم گفتم وقتی هم دو و هم دوچرخه سواری تفریحی کار می‌کنم، در این مسابقه شرکت کنم. وقتی به محل برگزاری رفتم، متوجه شدم که همایشی برای معرفی رشته دوگانه است و مسابقه‌ای در حد آماتوری نیز برگزار شد. در این مسابقه نتیجه خوبی گرفتم و تشویق شدم که به سراغ این رشته بروم.

در دنیا هم دوگانه مرسوم است یا در ایران به خاطر محدودیتی که برای رشته شنا وجود دارد، این رشته باب شده است؟

در دنیا هم سه گانه وجود داشته و رقابت های جهانی نیز دارد اما سه گانه المپیکی است. سه گانه، دوگانه، دوگانه آبی، سه گانه زمستانی، دوگانه و سه گانه کراس رشته های زیرمجموعه فدراسیون جهانی هستند.

در جایگاه فردی که با هیچ کدام از این رشته‌ها آشنایی حرفه ای نداشتی، ورود به دوگانه و سپس سه گانه سخت نبود؟

چرا خب. من تمرین درستی در دوچرخه سواری نداشتم و دوچرخه و دو را به صورت تفریحی دنبال می‌کردم، حالا که به چهار سال قبل نگاه می‌کنم، شرایط از لحاظ تمرینات و تجهیزات با قبل فرق کرده است. اولین بار که در مسابقات قهرمانی کشور شرکت کردم، به من گفتند همین که از خط پایان عبور کنی، کافی است و انتظار مقام نداریم. به مرور با مداومت در تمرین توانستم پیشرفت کنم اما حالا که به چند سال قبل نگاه می‌کنم، تازه می‌فهمم چه قدر افتضاح بودم. (با خنده).

چطور؟

مثلا نمی‌دانستم تمرینات دوچرخه سواری را کجا باید انجام بدهم اما کم کم راه و چاه دستم آمد و حالا دیگر برای تمریناتم نیازی به کسی ندارم. مثلا ۱۱۰ کیلومتر تمرین رکاب زنی دارم که در طول مسیر تنها هستم.

۱۱۰ کیلومتر رکابزنی برای تمرین دوچرخه سواری؟ واقعا؟!

سوالی است که خیلی ها از من می‌پرسند. بقیه ورزشکاران شاید یکی دو هفته که تنهایی تمرین کنند، خسته شوند اما مانده‌ام واقعا چه انگیزه ای مرا برای ادامه این مسیریاری می‌کند. البته در مواقعی خسته می‌شوم و شدت تمرینات باعث می‌شود تا حوصله کسی را نداشته باشم. بارها پیش آمده که در حین دوچرخه سواری، افرادی نزدیک من می آیند و می‌خواهند خوش و بش کنند اما درست جوابشان را نمی‌دهم و انگار با آنها دعوا دارم.

بالاخره این تمرینات که بی نتیجه نبوده است که بخواهی نا امید شوی؟

درست است. اصلا نمی‌توانم خود را با قبل مقایسه کنم و هر سال بهتر از گذشته می شوم.

مربی تخصصی سه‌گانه دارید یا هر رشته را با مربی خودش آموزش می بینید؟

نمی دانم گفتنش درست است یا نه، ولی در ایران مربی تخصصی سه گانه نداریم. مربیانی هستند که مثلا در این رشته تجربه عملی دارند اما تئوری نمی‌دانند. یا برخی مربیان در دو و دوچرخه خوب هستند اما تخصص چندانی در شنا ندارند. من هم به این خاطر با چند مربی همکاری دارم، یعنی هر رشته با مربی تخصصی خودش.

وسوسه نمی شوی در رشته های دوومیدانی و دوچرخه سواری هم شانست را امتحان کنی؟

معمولا چون مسابقات دوگانه و سه گانه زیاد نیست، بیشتر ورزشکاران این رشته ها، در مسابقات دوومیدانی و دوچرخه سواری هم شرکت می کنند. من در دوی استقامت و صحرانوردی، جزو ۱۰ نفر برتر کشوری هستم اما به هرحال ورزشکار تخصصی یک رشته تفاوت دارد زیرا در رشته ای مانند دو، ورزشکار در حین تمرینات، عضلات مناسب را درگیر می‌کند اما در رشته‌ای مثل سه گانه ناچارید عضلات را تقسیم بر سه کنید.

اشاره داشتید که در دوی استقامت، رکوردی در سطح ۱۰ نفر برتر کشوری دارید. بهتر نیست این رشته را دنبال کنید، با توجه به اینکه دوومیدانی در ایران موقعیت ممتازتری نسبت به سه گانه دارد؟

اتفاقا مربیان نیز به من پیشنهاد کردند که فقط به دوومیدانی تمرکز کنم و رکورددار این ماده شوم اما من کارهایی را دوست دارم که دیگران کمتر به سراغ آن می‌روند و می‌خواهم متفاوت باشم. سه گانه ترکیبی از دو، دوچرخه و شناست و کمتر ورزشکاری پیدا می شود که این سه رشته را با هم دنبال کند. به جای اینکه به رشته دیگری بروم، دوست دارم آن قدر در رشته خودم قوی شوم که هر رکوردی را ثبت کنم.

در رشته سه‌گانه، این طور است که ورزشکاری مثلا در دو و دوچرخه سواری خوب باشد اما در شنا ضعیف و با رکورد آن دو رشته، بتواند نتیجه بگیرد یا باید هر سه رشته را در یک سطح دنبال کند؟

این مورد برای من پیش آمده است. در مسابقات آسیای میانه قزاقستان من در شنا تمرین خاصی نداشتم اما در دو و دوچرخه توانستم تا حدودی جبران کنم. البته در مسابقاتی مانند آسیایی میانه چنین فرضیه‌ای جواب می‌دهد اما برای رویدادهای مهم باید در هر سه رشته، یک سطح باشی. در پیچ جهانی سه گانه، نفرات برتر مواد مختلف معرفی شدند که فردی در هر سه رشته انتخاب شده بود که نمره متوسط رو به بالایی کسب کرده بود؛ یعنی سه نمره متوسط در سه رشته بهتر از دو نمره خوب در دو رشته و یک نمره ضعیف در رشته دیگر است.

رسیدن به سطح رو به بالا در این سه رشته چه قدر شدنی و امکان پذیر است؟

خیلی سخت است اما امیدوارم با تمرین مداوم و انگیزه بالا به این خواسته برسم.

تمرین دوچرخه سواری آن هم در اتوبان خطرناک نیست؟

خطر که همیشه جلوی چشم ماست و اتفاقات بسیاری را تاکنون شاهد بوده ام و خوش شانس بوده ام که برای من رخ نداده است. اوایل که برای تمرین به اتوبان ذوب آهن می‌رفتم، پلیس راهنمایی و رانندگی، جلویم را می‌گرفت که البته حق با آنها بود زیرا اتوبان جای تمرین نیست اما وقتی جایی را برای تمرین ندارم، مجبورم. من روزی سه ساعت تمرین دوچرخه سواری دارم که از خانه مان در اصفهان تا نجف آباد را رکاب می‌زنم، بعد مسیر را برمی‌گردم و از اصفهان تا فولادشهر دوباره رکاب می‌زنم.

رکابزنی برای یک دختر در این مسیر سخت نیست؟

به هرحال سختی خودش را دارد زیرا در جاده تنها هستم. اوایل با مشکلات زیادی درگیر بودم که خوشبختانه کمتر شده اما هنوز هم هست. موتوری ها یا افراد سوار بر ماشین که نزدیک می‌شوند و متلک می‌اندازند، وقتی واکنشی نشان نمی‌دهم، راهشان را می‌گیرند و می روند اما برخی دیگر شاید تا حدود ۵ تا ۱۰ کیلومتر همراه من می آیند. واقعا رفتار پلیس راهنمایی و رانندگی با من خوب است و حتی مرا تشویق می‌کنند، در صورتی که به آنها حق می‌دهم مانع از دوچرخه سواری من در اتوبان و جاده شوند یا دوچرخه ام را توقیف کنند. مواردی هم رخ داده که افرادی برای من مزاحمتی ایجاد کرده اند و مامور پلیس راهنمایی، بین من و فرد مزاحم فاصله ای ایجاد می‌کنند. امیدوارم فرهنگ این موضوع در بین مردم جا بیفتد که وقتی دختری را سوار بر دوچرخه در جاده می بینند، متوجه شوند که وی با هدفی این کار را دنبال می‌کند و قصد تفریح ندارد. متاسفانه گاهی افراد بیمار ذهنی پیدا می‌شوند که با سرعت لب به لب دوچرخه من حرکت می‌کنند و یکهویی فرمان داده و مسیر را عوض می‌کنند، بدون اینکه فکر کنند شاید مانعی پیش روی من باشد. ترمز دوچرخه ABS نیست و بالاخره ممکن است در این حین تعادلم را از دست بدهم.

واقعا تصور تمرین در این شرایط سخت است، برنامه تمرینی ثابت شکوه طیاره خواجویی در طول هفته به چه صورت است؟

من با علم به تمام خطرات جانی که ممکن است در کمینم باشد، این کار را می‌کنم. دو سال قبل یکی از دوچرخه سوارانی که می‌شناختم، در این مسیر تصادف کرد و مرگ مغزی شد. تنهایی و قرار گرفتن در مسیرهایی که نمی‌شناسم هم ترس آور است. معمولا اگر در مسیر ناشناخته ای قرار بگیرم، به یکی از آشنایانم زنگ زده و می گویم اگر تا نیم ساعت دیگر زنگ نزدم، در فلان منطقه برایم خطری رخ داده است.

با چند ساعت دوچرخه سواری در جاده، آن هم تنها حوصله ات سر نمی‌رود؟

برای هدفی که دارم، باید این شرایط را تحمل کنم. معمولا در تمام طول مسیر هدفون توی گوشم است و آهنگ گوش می کنم. البته آهنگ ها شاید ۱۰ بار تکرار شوند و برای اینکه حوصله ام کمتر سر برود، آهنگ خارجی و داخلی و فایل های صوتی پرورش افکار را گوش می‌کنم.

با این شرایط خانواده مخالف ادامه فعالیت در سه گانه نیستند؟

خیلی مخالف هستند اما از پس من برنمی آیند (با خنده). اوایل که می خواستم برای تمرین بروم، می‌گفتم اگر بعد از دو، سه ساعت برنگشتم بدانید یا مرده ام یا اتفاقی برایم رخ داده است. از بس این حرف ها را گفته‌ام، دیگر برایشان تکراری شده است. اما در کل همیشه سعی می‌کنم خانواده ام را برای هر رویداد احتمالی آماده کنم و از آنها خواسته ام، هر اتفاقی برایم رخ داد، خودشان را ناراحت نکنند.

خب برسیم به دعوت شکوه طیاره خواجویی به تیم ملی. اولین بار کی دعوت شدید؟

سال ۹۲، البته هنوز ورزشکار آماتوری بودم و دعوتم بیشتر جنبه تشریفاتی داشت. تیم دوگانه در آن مقطع برای مسابقات فیلیپین اعزام شد اما من از اردوی تیم ملی خط خورده بودم. بعد سال ۹۵ برای مسابقات دوگانه غرب آسیا که در اردن برگزار می شد، دعوت شدم. تمرینات ما در اردوی تیم ملی در رشته های دو و دوچرخه سواری بود و در دوگانه می توانستم جزسه نفر اول باشم. از قبل اعزام به مسئولان تیم گفته بودم که دوست دارم در سه گانه مسابقه بدهم که در جواب گفتند شرایط فراهم نیست تا اینکه دو روز مانده به اعزام، اعلام کردند که می توانم در سه گانه شرکت کنم که من هم از خدا خواسته قبول کردم.

من هیچ تمرینی در شنا نداشتم و سه روز قبل از مسابقات، سه نوبت تمرینی در دریا تمرین کردم.

تجربه تمرین در آب های آزاد را که از قبل نداشتید؟

همان تمرینات شنای معمولی را هم نداشتم. دفعه اولی که وارد دریا شدم، نفسم می خواست از شدت ترس بند بیاید اما ملی پوشان تیم سه گانه، دلداری می‌دادند و می‌گفتند کاری ندارد. از توهم سقوط در دریا می ترسیدم. بعد مسابقه، ملی پوشان سه گانه می گفتند، دلداری می دادیم تا نترسی. من هم چه ساده که گول خودشیرینی آنها را خوردم. (با خنده). قبل از اینکه مسابقه را شروع کنیم، رئیس فدراسیون به من گفت، فقط از تو می خواهیم به خط پایان برسی و من هم که از بابت خودم و آمادگی بدنی ام، مطمئن بودم، گفتم خیالتان راحت!

اولین تجربه رسمی سه گانه آن هم در یک مسابقه بین المللی چه طور بود؟

خیلی خوب بود. شرکت کنندگان سایر کشورها، با دیدن پوششی که من داشتم، با من مهربان بودند. آنها خبر نداشتند که با چه تمرینی در این مسابقات شرکت کرده اند و من اصلا تمرین نداشته‌اند، من رتبه چهارم این رقابت ها را کسب کردم و باید به من مدال افتخار می دادند! مربی ام به من می‌گفت، شکوه فکر نمی‌کنم کم کاری کرده باشی اما متاسفانه رتبه چهارمی من هیچ بازتابی در رسانه ها نداشت. البته از یک بابت دلم می سوزد، من اگر در دو گانه شرکت کرده بودم، حداقل سوم می شدم و جایزه نقدی اش را می گرفتم اما با این وجود در سه گانه مسابقه دادم و توقع بیشتری داشتم.

در فاصله بین مسابقات غرب آسیا در اردن و آسیای مرکزی در قزاقستان، پوشش بانوان سه گانه کار تایید شد؛ این طور نیست؟

بله، تایید پوشش اسلامی بانوان سه گانه کار اتفاق بزرگی بود که رخ داد و حالا می توان در ایران نیز این رقابت ها را برگزار کرد، البته نیاز است که فدراسیون همت کند و برگزاری مسابقه سه گانه در داخل کشور را به تاخیر نیندازد، چون به اندازه کافی عقب هستیم.

و مسابقات آسیایی قزاقستان و اولین مدال بین المللی سه گانه بانوان.

از قبل اعلام شده بود که به طور حتم به قزاقستان اعزام می شویم اما دو هفته مانده به اعزام گفتند که وزارتخانه با پوشش سه گانه بانوان موافقت نکرده و اعزام منتفی شده است. ملی پوشانی که خودشان را آماده می کردند، حسابی افسرده شدند تا اینکه چند روز بعد گفتند موافقت شده. واقعا خیلی خوشحال شده بودیم. من برای مسابقات قزاقستان، چند ماهی تمرین شنا داشتم که البته برای رقابت در سطح بین المللی کافی نیست اما به هرحال بهتر از مسابقات غرب آسیا بود. ضمن اینکه تمرین در استخر با تمرین در آب های آزاد تفاوت دارد. ملی پوشان سه گانه تیم مردان در پشت سد تمرین می کنند اما من جرئتش را ندارم! البته می دانم که اگر دو سه باری تمرین کنم، ترسم خواهد ریخت.

اما با همین سطح تمرین توانستی مدال بگیری؟

اتفاقا حالا با تمرینات فعلی ام، می‌توانم در همان موقعیت مدال نقره بگیرم. من برای اینکه عادت کنم، تمرینات در استخر را با لباس سه گانه می‌رفتم و تقریبا به شرایط عادت کرده ام. در قزاقستان در بخش شنا صفر کیلومتر بودم. از این رو به ما تاکید زیادی برای طی درست مسیر کرده بودند که حداقل زمانی را از دست ندهیم. خوشبختانه من مسیر را درست رفتم اما از حریفان عقب افتادم. سطح ما با رقیبان در شنا زیاد است و فقط می‌توانیم در دو و دوچرخه عقب ماندگی را جبران کنیم.

زمانی که مدال برنز قطعی شد، از اینکه اولین مدال آور سه گانه بانوان ایران لقب گرفتید، چه احساسی داشتی؟

آن قدر خوشحال بودم که نمی توانم توصیف کنم. من در دوچرخه به رقیب اصلی ام رسیدم و در دو از او عبور کردم. پنج دقیقه مانده به خط پایان می‌دانستم و خوشحالی اصلی ام آنجا بود. بارها از قهرمانان مختلف شنیدم بودم که خوشحالی برای مقام آنی است و در این موقعیت این حرف را درک کردم. مرحله به مرحله هم که هدف ورزشکار بزرگ‌تر می‌شود، کمتر برای قبلی ها خوشحالی می‌کند. البته افرادی که خودشان ورزش می‌کنند، برای کاری که من کردم، ارزش زیادی قائل هستند. مثلا یکی که قهرمان جهان است، معتقد است با این سطح تمرین، بدون مقام هم قهرمان هستم و برخی هم تعجب می‌کنند چطور با این تمریناتی که من دارم، مقام مهمی به دست نیاورده ام. در مقابل برخی انگار درک درستی از زحمات ورزشکار ندارند و اگر تعریف هم بکنند، زیاد به دل نمی‌نشیند.

> من گلایه و حرف‌های زیادی برای گفتن دارم اما سکوت کردم تا حرف زدن من خللی در روند پیشرفتم ایجاد نکند